

## ماجرای يك گزارش

سعید صادقی به جام جم گفت: «گزارش قبلی که درباره من و عکس هایم در روزنامه جام جم منتشر شد را بسیار دوست داشتم. آنقدر صادقانه نوشته و خوب منتشر شده بود که دوست داشتم يك روز بیايم، خودم عکس ها را برایتان بیاورم و حرف بزنم. صداقت در رسانه ها می تواند اتفاقات خوبی را ایجاد و حال همه مان را بهتر کند. امیدوارم باز هم

گزارشی منتشر شود که هم من رزمندگان های دیگری را پیدا کنم و هم جامعه حالش بهتر شود و یادش بیاید هنوز هم بسیار قهرمان دارد.»  
جام جم در این گزارش به صاحبان عکس هایی پرداخته بود که صادقی آنها را پیدا کرده و عکس هایی با تصاویر حضورشان در زمان جنگ از آنها گرفته است.



سعید صادقی، عکاس جنگ، دنبال صاحبان این عکس ها می گردد؛ شاید شما یکی از این قهرمانان گمنام را بشناسید

# به این عکس ها خیره شو...

زیرا آنقدر انسان های پاک در جبهه ها حضور داشتند که مرا مانند آهن ربا به خود جذب می کردند. صادقی درباره این تصمیم تازه اش، یعنی پیدا کردن قهرمان های گمنام عکس ها می گوید: نمی دانید چقدر کار خاص و لذت بخشی است. یکی از رزمندگان حاضر در عکس ها را پیدا کردم و با او تماس گرفتم. گفت بیا. تا نزد رفتیم و عکسش را بردم. گفت سال هاست بچه هایم من را در حالی دیدند که روی تخت خوابیده ام. دوست داشتم مرا ایستاده هم ببینند.

این هنرمند عکاس ادامه می دهد: يك خانم هم به من گفت همیشه عکس رزمندگان را در کتاب های درسی می دیده، عکسی که من گرفته بودم، بعدتر با او ازدواج می کند و می گوید عکست را زودتر از خودت دیده بودم. وقتی عکس را خودم به آنها دیده دادم حال خوبی

را تجربه کرده. او به شلمچه هم سفر کرده، آنجا عکس هایش را در خیابان به نمایش گذاشته و برخی حاضران در عکس هایش را پیدا کرده است. باز هم به کارش ادامه می دهد، عکس ها را در کانال تلگرامی اش منتشر می کند و از رسانه ها هم کمک می خواهد تا مردم عکس ها را ببینند و به او در پیدا کردن قهرمان هایش کمک کنند. صادقی حالا با هزینه شخصی خود دنبال قهرمانانش می گردد و قرار است در ملاقات با یکی از این قهرمان ها مارا هم همراه خودش ببرد. تا ما برویم و گزارش مفصلي از دیداری این همه خاص برایتان بنویسیم، عکس ها را خوب نگاه کنید و اگر قهرمانی را شناسایی کردید، به ما خبر بدهید. ]

زنده ماندن می جنگ، مادری فرزندش را می بوسد و اتوبوس ها مردها را به میدان می برند تا به ایستادگی معنی دیگری بدهند. اما واقعا او در سنين جوانی چارفتن به میدان جنگ را انتخاب می کند و با عکس هایش دنبال ثبت چیست؟ آن طور که خودش می گوید، عکاسی در آن سنين برایش رفتن به دنبال تکنیک نبوده، او دنبال چیزی بوده بالاتر و بیشتر از آنچه در کلاس های عکاسی آموزش داده می شود. صادقی می گوید: من دنبال محتوای واقعه بودم. هدف اصلی من انسان و تأثیرات جنگ به روی انسان بود. به همین دلیل از تکنیک فاصله می گرفتم و خودم را به انسان نزدیک می کردم، انسانی که می تواند درون زشتی ها غرق شود. جنگ زشت ترین فاجعه بشری است و اصلا قهرمان ندارد، ولی روش انسانی قهرمان دارد. جنگ هیچگاه برای بشریت قهرمان نمی سازد ولی روش انسانی برای بشر قهرمان می سازد.

او می افزاید: من در دل جنگ در جست و جوی انسان بودم؛ چراکه قهرمان را در جنس انسانیت و ارزش های انسانی که در جنگ خمیر و له می شد، جست و جوی می کردم؛ جان هایی که متلاشی می شد. نوع اخلاص رزمندگان در قاب عروج انسان ها برایم تجسم پیدا می کرد و مهم بود. انسان هایی که آنجا جنگیدند، خالص و صادق بودند. یعنی برای کاسبی و پول نیامده بودند. من در ۳۴ عملیات بودم و حداقل تا آنجا که دیدم هیچ کدام از افرادی که آنجا بودند نگاه مادی نداشتند و پولی برای جنگیدن و فدا کردن جان شان نگرفتند. یکی از زیباترین لحظات عمر من نفس های اخلاص گرانه و صادقانه این آدم ها بود که باعث کشمکش من با دوربینم می شد و به آن زندگی می بخشید. این امر باعث می شد که ما به هم گره بخوریم. بارها شده بود که در شرایط سختی بین مرگ و زندگی قرار می گرفتم و از وحشت به زمین چنگ می زدم. ولی دوباره که عملیات تمام می شد، به منطقه عملیاتی بعدی می رفتم،

خوب نگاهشان کن. شاید گوشه ای از کادر خودت را دیدی یا مثلاً پسر همسایه قدیمی تان را، پدرت را، فامیل دور و نزدیکت را. به این عکس ها نگاه کن. نمی شناسی هیچ کدام را؟ عیبی ندارد. باز هم يك بار از اول نگاهشان کن. با افتخار و با عشق. تو داری قهرمان هایی را نگاه می کنی که حالا هیچ کدام نمی دانیم کجا هستند و چه می کنند. با چه حالی جنگ را به پایان رسانده اند. سالمند یا جانباز. اسارت، آنها را در هم شکسته یا جراحات جنگ، شهادت را سهمشان کرده و ما می خیریم؟ سعید صادقی هم یکی از همین قهرمان هاست. او شجاعانه دوربین دست گرفته و رفته وسط میدان جنگ برای ثبت يك جنگ هشت ساله، جنگ يك جهان علیه ایران که بدنامی اش مانده برای رژیم بعث عراق، اما زمان نشان داده همان به ظاهر مدافعان جهانی حقوق بشر چه دست های آلوده ای در آن دارند. صادقی مدتی است عکس هایش از آن روزها را تماشا می کند، یکی یکی دنبال آنهایی می گردد که مقابل دوربینش قرار گرفته اند تا عکسشان را تقدیمشان کند. آنها که امروز در هیاهوی جامعه ای که به سرعت پوست انداخته، فراموش شده اند. هر چند خودش می گوید کاری نکرده و عنوان شجاعانه را از من نمی پذیرد، اما تماشای عکس هایش نشان می دهد چه کرده است. حالا که او سوزنه های این عکس ها را فراموش نکرده و مهربانانه دنبالشان می گردد، رسانه ها هم تلاش می کنند او را در این کار یاری کنند.

او يك روز مهمان دفتر روزنامه بود، با هم عکس هایش را نگاه کردیم و حرف زدیم. عکس هایی که می گویند او در ۳۴ عملیات حضور پیدا کرده و تمام زیبایی ها و نازیبایی های مقابلش را شکار کرده است. عکس هایی که اغلب نشان می دهند در جنگ هم زندگی پیروز می شود. زندگی هرگز نمی میرد، نوزادی آن میان متولد می شود، مجروحی برای



زینب میرزایی فرد  
فرهنگ و هنر

